

سال و ماه اسلامی

۳۶ - ان عدة الشهور عند الله اثني عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات و الارض منها اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن انفسكم و قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة و اعلموا ان الله مع المتقين .

شماره ماهها نزد خدا در کتاب او ، دوازده ماه است ، (این نظام) از آن روزیست که زمین و آسمانها را آفریده است اینست آئین محکم ، در این ماهها بخودتان ستم مکنید و با مشرکان جنگی بجنگید چنانکه شما بکسرمیجنگند ، بدانید خدا با پرهیزگاران است .

نقش نظم در پیشرفت اجتماع

نظم و حساب در زندگی وسیله نیل به هدف است ، جامعه ای که کارهای اجتماعی و انفرادی آنها بر اساس محاسبه باشد ، بطور مسلم در آن راهیکه گام برمیدارد بقصد برسد ، مجتمعیکه هیچ کار آنها ، روی نظم و نقشه معینی نباشد ، آغاز و پایان کارشان واضح و روشن نگردد ؛ خواهی خواهی پیش از وصول بآرزو نیمه راه باشکست روبرو میگردد . این گفتار ، بکمطلب اساسی است ؛ و تجربه و آزمایش و کارهای روزمره خودمان گواه قطعی آنست .

امروز نیروی فکری بشر تمام کارها را تحت انضباط مخصوصی در آورده است و مسائل پیچیده اقتصادی و طبیعی را روی دایره محاسبه ریخته ؛ و برای هر کدام فورمولی ساخته است ، که هرگاه سر سوزنی از آن خطا کند هیچگاه به نتیجه ای نخواهد رسید .

تصور نشود که این موضوع ، از خصایص بشر قرون اخیره است و بشر امروز می تواند کارهای خود را بصورت مسائل ریاضی در آورد ؛ بلکه از آن روزیکه خواست خدا تعلق گرفت که موجودی بنام انسان در این کره تربیت کند ، وسیله نظم و انتظام را در اختیار او گذارد ، وسیله ایکه شهری و دهانی تمدن و غیر تمدن میتوانند از آن بهره برداری کنند ؛ ابرازیکه هیچگونه احتیاج به محاسبه خود انسان ندارد ؛ بلکه بان یک آلت خودکار ، هزاران سال بخدمت و فعالیت خود ادامه میدهد و آثار فرسودگی در آن مشاهده نمیشود ، و نیازی به ترمیم ندارد .

این وسیله طبیعی همان گردش ماه و کره زمین است . ماه در آغاز بصورت هلال ، خود نسائی میکند ، کم کم بصورت بدر کامل درمیآید بعداً بطور تدریج ، باریکتر شده و بحالت اولیه بر میگردد ، این تحولات یک وسیله محاسبه بسیار طبیعی و خوبی برای امور زمانی است ، که تمام طبقات میتوانند از آن بهره برداری کنند ؛ میتواند مبدأ و تاریخ تمام کارها باشد ؛ تا آنجا که بسیاری از فرائض و واجبات ، در آئین اسلام نیز بر اساس همین گردش ماه است قرآن مجید در اینباره چنین میفرماید :

يسئلونك عن الاهلة قل هي عواقيت للناس والحج (بقره ۱۸۹) از تووا اختلاف ماهها سؤال میکنند ؛ که چرا همواره در اختلاف است ، و بکنواخت نیست بگو ، این اختلاف ، بمنظور ، وقت شناسی است ، و برای اینست که مردم اوقات حج را تشخیص دهند و بدانند که پس از مرور یازده هلال ، ماه حج است درجای دیگر میفرماید :

والقمر قدر ناه منازل حتی عاد کالمر چون القديم (یس - ۳۹) برای ماه منزهانهای قرار دادیم و آن پس از طی این منازل بصورت ، شاخه اغر خشک (هلال) درمی آید .

از بیان فوق میتوان نتیجه گرفت

۱ - ماههای قمری ؛ بکمقیاس محسوس همگانی است که تمام افراد قوت بهره برداری از آن را دارند ، و بگانه عامل محاسبه زمانی برای بشر اولی همان ماههای قمری بوده است ، و اما ماههای شمسی که اساس آن ، گردش زمین است بر دور خورشید ، از آنجایی که حس و فهم عمومی دور است ، و احتیاج به محاسبات دقیق نجومی دارد تا آغاز و پایان هر ماه را روشن کند و مقیاس محاسبه هر چه طبیعی تر ، روشنتر و همگانی تر باشد ، بهره برداری از آن ؛ بهتر صورت میگیرد ، و بهمین دلیل ماه و سال قمری از هر نظر در میان بشر جلوتر از سال و ماه شمسی بوده ، زیرا دومی زائیده تمدن است ؛ پس از پیداشدن علم نجوم شالوده آنرا ریخته است .

۲ - پایه بسیاری از فرائض و عبادات و اعیاد در اسلام همان ماههای قمریست ، حج و عمره ، روزه گردهمین ماهها میگردند نکته قابل ملاحظه در اینجا اینست که : کارهای عمومی ایست بلكمقیاس عمومی داشته باشد ، خصوصاً در دوران گذشته ، که امور رباضی و معاسبات که اساس ماههای شمسی را تشکیل میداد و دوران تکامل خود را طی نکرده بود ، و بر فرض تکامل وسیله بخش و نشر در اختیار نبود تا بدان وسایل ؛ برای عموم آغاز و پایان هر ماهی را ابلاغ کنند .

مقصود از کتاب الله چیست

لفظ مزبور در قرآن در معانی گوناگونی بکار رفته است

۱ - لوح محفوظ چنانکه میفرماید : قال علمها عند ربی فی کتاب لا یضل ربی ولا ینسی (مئه : ۵۲) علم آن زود پروردگار من است در کتابی (لوح محفوظ) پروردگار من نه خطا میکند و نه فراموش میکند .

۲ - کتابهای آسمانی : چنانکه در آیه زیر مقصود همین است : لیلذوقن من الذین اتوا الكتاب کتاب الله وراء ظهورهم (بقره - ۱۰۱) : گروهی از اهل کتاب ، کتاب خدای را پشت سرافکنند .

۳ - نظام و تدبیر تکوینی جهان آفرینش که بسان کتاب تشریحی آنچه در آن باقلم صنع نگارش یافته است ، ثابت است ، و بیاعتنا و واضح تر ؛ قوانین ثابت و لایتنظیمی که حکومت مطایفه سازمان جهان طبیعت بدست آنها سپرده شده است .

مقصود از کتاب الله در این آیه همین معنای سوم است ؛ یعنی اینکه حقیقت یکسال را (۱۲) ماه تشکیل میدهد ، بلكمطلب قراردادی نیست که روزی بشمار جمع شود ، و شماره ماههای سال خود را ، کم و زیاد کند زیرا نشانه و واقعیت یکسال ، همان گذشتن فصول چهارگانه است ، و این چهار فصل طبیعی ، بامرور و گذشتن ، دوازده ماه قمری تقریباً پایان میپذیرد .

و به عبارت دیگر ، زمین با حرکت انتقالی خود دور خورشید چهار فصل را بوجود میآورده و در ظرف ۳۶۵ روز ؛ یکبار تمام دور خورشید میگردد ؛ و بگذرد حرکت انتقالی نیز دو ظرف دوازده ماه قمری (تقریباً) انجام میگیرد ؛ بنابراین صحیح است بگوئیم ، شماره ماهها یکسال همان ۱۲ ماه است ، و این نظام و سنت الهی از آنرو بزرگتر زمین و آسمانها خلق شده است وجود داشته و خواهد داشت ؛ بنابراین ۱۲ ماه قمری که یکسال را تشکیل میدهد ترکیبی از دو جریان طبیعی محسوس است یکی گردش ماه به دور

زمین و دیگری گردش زمین بدور آفتاب بنابراین صد در صد طبیعی و محسوس است اما ماههای شمسی چنین نیست زیرا حرکت خورشید در برجهای دوازده گانه برای نوع مردم محسوس نیست .

اشهر حرم کدامست

ماههای حرام که در لسان قرآن بآنها شهر حرم گویند ؛ همان چهار ماه معروف است ؛ (رجب ، ذیقعدة ، ذی الحجة ، محرم) ، و علت اینکه نام آنها را ، ماههای حرام گذارده اند ، اینست که عرب جاهلیت احترام این چهار ماه را حفظ مینمود و جنگ و قتال و غارتگری را در این چهار ماه قبیح میشمردند ، گاهی گفته میشود که تحریم جنگ در این چهار ماه از سنتهای حضرت ابراهیم و اسماعیل است ، ولی بسیاری از مورخان معتقدند که ریشه این رسم خود عرب جاهلیت است ، و جهت اینکه آنان جنگ در این ماهها را تحریم میکردند این بود که اعراب در ماههای رجب و ذیقعدة و ذی الحجة مجبور بودند به پیروی از روش تیاگان ، خدایا زیارت کنند ، و اعمال حج را انجام دهند و این مطلب در صورتی امکان پذیر بود که راهها امن گردد ، تا گروهی در ماه « رجب » موفق به انجام دادن اعمال « عمره » گردند ، و اکثریت قریب با اتفاق ، در ماههای ذیقعدة و ذی الحجة ؛ توفیق اعمال حج را پیدا کنند ، و برای اینکه تمام قبائل دور دست با کمال امنیت به قرارگاههای خود برسند ، ماه محرم را ضمیمه نمود ؛ که پس از اتمام اعمال ؛ چند صباحی درمکه بمانند ، و بطور شتاب زده کمی بمقصد نروند و بدانند که تا آخر ماه محرم امنیت در آن کشور برقرار است .

گاهی گفته میشود نکته تحریم جنگ در این ماهها این بود ، که بر اثر تحریم جنگ ؛ امنیت برقرار گردد ، تا بازاری ، بوجود آید ؛ و بتوانند ؛ وسائل معیشت سالیانه خود را در این ماهها تأمین نمایند .

در حال ، این سنت ابراهیمی ؛ یا سنت عربی ، از آنجا که وسیله سعادت و بهبودی وضع مردم بود ، و با مقاصد عالیه اسلام کمال انطباق را داشت ، اسلام نیز ، این وضع را تثبیت نمود ، و هر گونه زد و خوردی را در این ماهها از طرفین ممنوع ساخت ، و چنین فرمود **شهر اربعة حرم** ؛ از اینها دوازده ماه ، چهار ماه آن ، ماههای حرام است ، سپس برای برانداختن بلكم روش ناسپندیده که احیاناً در میان اعراب بروز میکرد ، و آن موضوع « نسئ » (تاخیر انداختن ماههای حرام ، و جایجا کردن آنها که در شماره آینه در باره آن بحث خواهیم نمود) فرمود :

ذلك الدين القيم ؛ این است آئین با برجا ، و موضوع تاخیر ماههای حرام که عرب

بآن «نسی» میگوید، برخلاف آئین حق است. و در بیان آپس، مطلب را تذکر میدهد
اول: تذکر میدهد که احترام این چهارماه را لازم بشمرید، و بدانید که این ماهها
مانند برخی از امکنه مکه و مدینه... شرافت دارد. جمله: «فَلَا تَقْلَبُوا وَجْهَكُمْ
اشاره به همین مطلب است.

دوم: دستور جهاد عمومی میدهد که بابت مسلمانان با تمام نیرو با اساس جهان
شرك بچنگند، و شرکان بدانند که پس از گذشتن چهارماه، در کشور اسلامی برای آنها
جایگاهی نیست.

سوم: نیروهای غیبی الهی با مردان پرهیزکار است؛ چنانکه فرمود: «واعلموا
ان اللهم للمتقين».

از اسراف پیر شهیزید

امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند اقتصاد و میانه رو را دوست
میدارد، اسراف و زیاده روی دشمن میدارد، هر چند اسراف بدو را نکنند
هسته خرما باشد، زیرا هسته خرما نیز بیکار آید، و هر چند دور ریختن
زیادی آب باشد. (نقل از بحار الانوار جلد ۱۵)

بشرین مروان می گوید با جمعی حضور امام صادق (ع) شرفیاب
شدیم، و آنحضرت امر فرمود خرما آوردند، یکی از ما هسته خرما را
دور میانداخت؛ حضرت از خوردن خرما دست کشید و آن شخص فرمود: این
کار را مکن که این خود اسراف و زیاده روی است و خداوند تباه کردن مال
را دوست نمیدارد. (نقل از معجم علوم انسانی)

امام صادق (ع) روزی مشاهده فرمودند میوه ای را که همه آن خورده
نشده و از منزل آنرا بیرون افکنده اند از این منظره متاثر و خشمگین گردید،
و فرمود این چه کاریست اگر شما سیر شده اید؛ بسیاری از مردم گرسنه و
محتاجند؛ این میوه را بآنها که نیازمندند بدهید.

(نقل از وافى جلد ۶)